

۴۸۶

4860

۶۹



مؤسسه مطالعات بنیان دینی



- سرشناسه : Farmanian, Mehdi - ۱۳۵۲ - مبانی، مهدی
- عنوان و نام پدیدآور : مبانی فکری سلفیه/ تالیف مهدی فرمانیان.
- مشخصات نشر : قم: رهپویان اندیشه، ۱۳۹۷.
- مشخصات ظاهری : ۳۲۳ ص.
- شابک : ۵۰۰۰۰ ریال : 978-622-99377-3-0
- وضعیت فهرست نویسی : فیفا
- یادداشت : کتابنامه: ص. ۳۰۸ - ۳۲۳، همچنین به صورت زیرنویس.
- موضوع : سلفیه
- موضوع : Salafiyah
- موضوع : سلفیه -- عقاید
- موضوع : Salafiyah -- Doctrines
- رده بندی کنگره : ۱۳۹۷ ۲م۴/۵/۲۰۷BVP
- رده بندی دیویی : ۴۱۶/۲۹۷
- شماره کتابشناسی ملی : ۵۳۴۴۴۴۲



مؤسسه مطالعات بنیان دینی

بررسی و نقد

تألیف: مهدی فرمانیان



مؤسسه مطالعات بنیان دینی

مبانی فکری سلفیه (بررسی و نقد)

- تألیف: مهدی فرماتیان
- ناشر: رهپویان اندیشه
- چاپخانه: وفا
- نوبت چاپ: اول - پاییز ۱۳۹۷
- تیراژ: ۲۰۰ نسخه
- قیمت: ۵۰۰۰۰ تومان
- شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۹۳۷۷-۳-۰

مؤسسه مطالعات بنیان دینی

انتشارات رهپویان اندیشه

آدرس: قم، شهرک پردیسان، انتشارات رهپویان اندیشه

تلفن: ۰۹۱۰۲۰۴۳۱۰۶

ایمیل: rahpuyanandishe@gmail.com

فهرست مطالب

۱۱	مقدمه
۱۳	بیان مسئله
۱۵	ضرورت تحقیق
۱۶	پیشینه تحقیق
۱۷	سؤال‌های تحقیق
۱۷	سؤال اصلی
۱۷	سؤال‌های فرعی
۱۷	فرضیه تحقیق

بخش اول:

سلفیه در جهان امروز

۲۱	مقدمه
۲۳	فصل اول: تاریخچه تفکر سلفی‌گری
۳۵	فصل دوم: سلفیه وهابی در عربستان
۳۶	مقدمه
۳۹	تاریخ وهابیه
۳۹	فصل سوم: جریان زیدیه سلفی
۴۰	مقدمه
	ابن‌الوزیر

۴۳	ابن الامیر
۴۴	شوکانی
۴۹	فصل چهارم: سلفیه در شبه قاره هند
۴۹	مقدمه
۵۰	نظریات، عرفانی شاه ولی الله دهلوی
۵۲	فتی شاه ولی الله دهلوی
۵۴	شاه ولی الله و حاشی
۵۵	شاه ولی الله دهلوی و پیدایش گرایش سلفی در هند
۵۸	زمینه های پیدایش مکتب سلفی دیوبندی
۵۹	مدرسه دارالعلوم دیوبند
۶۲	سازمان تبلیغی جماعت
۶۳	جماعت اسلامی پاکستان
۶۷	وهایت و رابطه اش با دیوبندیه
۶۹	فصل پنجم: سلفیه در شمال آفریقا
۶۹	مقدمه
۶۹	رشید رضا و سلفیه شمال آفریقا
۷۱	اندیشه حکومت اسلامی محمد رشید رضا
۷۴	اخوان المسلمین و گسترش سلفی گری در شمال آفریقا
۷۵	سید قطب: حلقه ارتباطی مهم
۷۹	اهمیت اندیشه سید قطب
۸۰	احزاب و گروه های سلفی شمال آفریقا
۸۲	بن بادیس و سلفیه الجزایر
۸۸	اخوان المسلمین سوریه

بخش دوم

هستی شناسی در تفکر سلفیه

۹۱	مقدمه
۹۳	فصل اول: تقسیم هستی به محسوس و نامحسوس

۹۳	مقدمه
۹۴	هستی در نگاه سلفیان
۹۷	جسم در نگاه سلفیان
۱۰۵	علیت یا عادت
۱۰۹	فصل دوم: حدوث و قدم در نگاه سلفیان
۱۱۳	فصل سوم: غیب و شهادت در نگاه سلفیان

بخش سوم معرفت‌شناسی سلفیان

۱۲۱	مقدمه
۱۲۵	فصل اول: منابع استنباط اصول اعتقادی
۱۲۵	مقدمه
۱۲۵	قرآن کریم، مهم‌ترین منبع استنباط اصول اعتقادی
۱۲۹	روش سلفیان در تفسیر نصوص دینی
۱۳۲	سنت پیامبر، دومین منبع استنباط معارف دینی
۱۴۰	اجماع سلف، سومین منبع استنباط اصول اعتقادی
۱۴۵	فصل دوم: جایگاه عقل و نقل در نزد سلفیان
۱۴۵	مقدمه
۱۴۷	ماهیت عقل
۱۴۹	عقل نظری و عقل عملی
۱۵۱	دو تعریف مشهور از عقل
۱۵۴	تعریف عقل از دیدگاه سلفیان
۱۵۶	تعارض عقل و نقل در نگاه سلفیان
۱۸۱	حسن و قبح عقلی از دیدگاه سلفیان
۱۸۵	فصل سوم: سلفیان و منطق ارسطو
۱۸۵	دیدگاه سلفیان نسبت به منطق ارسطو
۱۸۷	ابن تیمیه در کتاب الردّ علی المنطقیین
۱۸۹	ابن تیمیه و حدود منطقی

۱۹۲	وجود و ماهیت
۱۹۴	ذاتی و عرضی در نگاه سلفیه
۱۹۶	کلی منطقی در نگاه سلفیان
۱۹۸	آرای اهل منطق درباره «کلی منطقی»
۱۹۹	نقد کثرت حصول قضایای کلی
۲۰۱	فلسفه منطقی از دیدگاه سلفیان
۲۰۴	دفاع ابن تیمیه از شیله

بخش چهارم روش شناسی سلفیه

۲۰۹	مقدمه
۲۱۳	فصل اول: حجیت فهم سلف
۲۱۳	مقدمه
۲۱۳	علل برتری سلف بر خلف
۲۲۴	سلفیان و اهل تقویض
۲۲۷	فصل دوم: ظاهرگرایی و نفی تأویل
۲۲۷	مقدمه
۲۲۷	ظاهرگرایی یا تطابق معنای ظاهر لفظ با مراد شارع
۲۳۴	دیدگاه سلفیه در باب ظاهر و بطن
۲۴۵	دلایل سلفیان بر ظاهرگرایی و نفی باطن
۲۴۸	فهم ظواهر نصوص نزد سلفیان

بخش پنجم دیدگاه سلفیان در باب معناشناسی

۲۵۵	مقدمه
۲۵۹	فصل اول: تأویل در نزد سلفیان
۲۷۱	لوازم ظاهرگرایی و نفی تأویل
۲۸۵	تأویل و تقویض
۲۸۷	محکم و متشابه در نگاه سلفیان

۲۹۲	محکم و متشابه در قرآن نزد سلفیه
۲۹۷	فصل دوم: حقیقت و مجاز در نگاه سلفیان
۲۹۷	مقدمه
۲۹۹	سلفیان و عدم مجاز در قرآن
۳۰۵	انتمه
۳۰۸	مناد مأخذ

www.Ketab.ir

پقدمه

سلفیه که ایده‌ای دوازده سده از دل اصحاب حدیث اهل سنت است، مدعی انحصارطلبانه مسلمانی بودن همه دین‌داران خود کافر می‌داند. فرقه‌ای خودخوانده که با به تن کشیدن جامه انتساب به سلف به دلخواه با ادعای انحصارگرانه نفی شرک، بدعتی در جهان اسلام ایجاد کرده که باعث تفرقه و اختلاف در جهان اسلام گردیده است. سلفیه مدعی است نباید پیرو مذاهب بود و باید به عصر سلف یعنی دوران صحابه، تابعیت تابعین بازگشت و از ائمه اعلام پیروی کرد و از همه دستاوردهای مذاهب فکری گوناگون اعم از کلام، فلسفه، عرفان، منطق و تمام علوم وابسته که حاصل قرن‌ها تلاش و جست‌وجوی عالمان مسلمان بوده و اندوخته‌ای گرانسنگ از علوم و فرهنگ اسلامی در ابعاد گوناگون پدید آورده و باعث پویایی اسلام و فقه آن گردیده و پاسخگوی نیازهای فکری هر عصری بوده و هست چشم‌پوشید و کنار نهاد.

سلفیه با یک دست مدعی یگانه‌پرستی است و در دست دیگر شمشیر تکفیر برکشیده و با حذف تمام مسلمانان از جامعه اسلامی و راندن آنان به جمع کفار مدعی آن است که او حق مطلق است و فقط ایشان اسلام را درک می‌کند و دیگران از فهم اسلام بهره‌ای ندارند.

سلفیه با طرح برتری فهم سلف و تمسک به آثار رسیده در این زمینه، فهم سلف را دارای خلوص تام دانسته و معتقد است از قرن سوم به بعد و با ظهور مکاتب کلامی، فلسفی و عرفانی، فهم مسلمانان با بدعت‌ها در هم آمیخت و بدعت‌ها پس از این تاریخ در اسلام پدیدار گشت. در نگاه آنان قرون ثلاثه، خیرالقرون است و سلوک آنان در فهم اسلام، میزان استنباط و منهج آنان شاخص و شاقول صحت و سقم فهم دیگران است.

راه ورود به جماعت اسلامی آن است که روش سلف را حرف به حرف پذیرفته و از آن راه

تخطی نکنیم و الاّ از راه مستقیم خارج و از جماعت اسلامی به دور افتاده ایم، اما سلفیان خود اجتهادات متعددی را به فهم سلف اضافه کرده و آن را به عنوان اعتقادات سلف به جهان اسلام عرضه می‌کنند. تعریف آنان از مفاهیمی همچون شرک، توحید، عبادت، پرستش، سلف و... هیچ انطباقی با فهم سلف ندارد و از استنباطات و اجتهادات خود سلفیان است که مورد نقد مخالفان قرار گرفته و آثاری در این زمینه به نگارش درآمده است.

محمدسعید رمضان البوطی در اثر معروفش یعنی سلفیه بدعت یا مذهب به یکی از اساسی‌ترین این مباحث پرداخته و بیان می‌دارد که آیا درست است که از قلب جماعت اسلامی و از میان اصحاب و جماعت، بدعت جدیدی به نام سلفیه و به عنوان یک مذهب نو سر درآورد و با صراحت و بی‌جهت، همه مذاهب اسلامی و پیروان مذاهب مختلف اهل سنت را رد کند و تنها خود را حق و سلفیه باطل بداند؟ آیا این خود یک بدعت نیست. ایشان معتقد است نه تنها وجهی در علم کران سلف وجود ندارد بلکه این امر برای جامعه اسلامی ضرر دارد؛ زیرا مانع اجتهاد و استنباطات جدید در مسائل فکری - اعتقادی می‌گردد. به نظر ایشان تبعیت از روش و اسلوب سلف در فهم کتاب و سنت غیر از تبعیت از فهم آنان است. تبعیت از فهم سلف و برتر دانستن فهم آنان، کاروان علم و دانش اسلامی را در چارچوب فهم سلف محدود و راه پیشرفت و گسترش علوم اسلامی را مسدود می‌کند. اگر آنکه سلف خود حتی در روش و اسلوب اختلافات زیادی داشته‌اند؛ چه رسد به فهم؛ بنابراین نمی‌توان نمودن مسلمانان به پیروی از فهم سلف، ابدیت اسلام را متزلزل کرده و پاسخگویی اسلام به نیازهای زمانه را سدّ می‌کند. لازمه سخن سلفیان، سدّ باب علم است و باعث رکود و رکود در پذیرش گسترش اسلام می‌گردد.

نکته دیگر مورد توجه ایشان بررسی مفاهیم شرک و توحید است و معتقد است بسیاری از آنچه را که آنان کفر و بدعت می‌شمارند، نه کفر است و نه بدعت؛ بلکه از مصادیق انحرافی است که از همان دوران سلف در میان مسلمانان وجود داشته و هر کس براساس مبانی و مشرب خود آن را از مصادیق حق یا باطل دانسته است، اما فردی از سلف آن را از مصادیق شرک ندانسته و سلفیان در این زمینه تنها هستند؛ حتی همراهی سلف را نمی‌توانند ثابت نمایند بلکه به‌عکس شواهدی از سلف دالّ بر جواز این امور است.

از دیگر آثاری که در نقد مفاهیم مورد اعتنای سلفیان به نگارش درآمده است، مجموعه آثار حسن بن فرحان مالکی است. ایشان در کتاب *دعیه لیس نبیاً* به مفاهیم توحید و شرک از دیدگاه محمد بن عبدالوهاب پرداخته و اثبات نموده است که ایشان و پیروانش هیچ تعریف دقیقی از این مفاهیم نداشته و در هیچ یک از آثار خود به صورت دقیق و فنی به بررسی این مفاهیم پرداخته و فقط با ابهام در مفاهیم، به تکفیر مسلمانان پرداخته و مصادیقی را بیان می کنند که در علمای اسلام از اختلافات چشمگیری برخوردار است. بنابراین هر گاه از مفاهیمی اطلاع دقیقی نداریم چگونه می توانیم مصادیق آن را روشن کرده و براساس آن دیگران را به کفر متهم سازیم.

اما در ایران اسلامی کمتر به مفاهیم توجه شده و بیشتر به عقاید خاص وهابیت عنایت داشته اند. غالب آثار سلفیان و اهل فقه حوزة و دانشگاه حول محور وهابیت و علی الخصوص عقاید آنان در باب توسل، سفاعت، زبارت قبور و امثال آن می چرخد و کمتر از آنان به عنوان سلفیه یاد شده است. از این آثار می توان به آیین وهابیت از آیت الله سبحانی؛ وهابیت بر سر دوراهی، تألیف آیت الله مکارم شیرازی؛ سلفی بر باورهای وهابیت، نگارش استاد نجم الدین طبسی؛ وهابیت از دیدگاه عقل و نقیص، نوشته استاد حسینی قزوینی؛ پاسخ به سلفی گری، تألیف استاد علی اصغر رضوانی؛ و هادان نوشته علی اصغر فقیهی و... نام برد.

در همین زمینه آثاری از عربی به فارسی ترجمه شده است که مهم ترین آنها عبارتند از: کشف الارتیاب، سید محسن امین؛ هذه هی الوهابیه، محمد بنوادمغنیة؛ نقدی بر اندیشه وهابیون، سید حسن موسوی قزوینی و... که همگی در یک امر اشتراک دارند این است که به نقد عقاید خاص وهابیت در زمینه قبور پرداخته و برخی به علت ریشه یابی این عقاید به مفاهیمی همچون توحید و شرک، ایمان و کفر، بدعت و سنت نیز نیم نگاهی داشته و به توضیح آن از دیدگاه وهابیت و نقد آن از سوی دیگر مذاهب پرداخته اند.

بیان مسئله

به نظر می رسد مفاهیم توحید و شرک، بدعت و سنت، ایمان و کفر در اندیشه وهابیت و سلفیان ریشه در مبانی مهم تری دارد که این رساله در پی فهم این مبانی است. مبانی فکری سلفیان را

می‌توان در مباحث هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی، معناشناسی و روش‌شناسی پیگیری کرد. در هستی‌شناسی، سلفیان معتقد به مجردات نبوده و همه عالم اعم از خدا و غیر آن را محسوس دانسته و مجردات را نمی‌پذیرند و قائلند خداوند جسم نیست اما محسوس است و می‌توان آن را در قیامت با چشم سر دید. سلفیان به تقسیم عالم به غیب و شهود اعتراضی ندارند و می‌گویند چون در قرآن برخی امور غیب نامیده شده، این تقسیم ایرادی ندارد اما معنای غیب به مفهوم موجوداتی فراتر و مجرد از ماده که فلاسفه از آنان به عنوان عقول و نفوس یاد می‌کنند، قبول ندارد. سلفیان رشتگان را جسم دانسته و معتقدند، چون آنان از نور آفریده شده‌اند، جسم‌اند. سلفیه آنان روح، موجودی مادی است و فراتر از بدن نیست بلکه روح همان بدن است و نفس فلاسفه با عنوان وجودی غیر از بدن انسان که با آن متحد شده است را نمی‌پذیرند.

در معرفت‌شناسی، سلفیان فقط راه نقل را قبول دارند و از عقل و شهود، گریزان بوده و معتقدند عقل و شهود جز نشان دادن باطل کاری انجام نمی‌دهد و عقل در باب خداوند و امور دیگر اعتقادی هیچ فهم صحیحی ندارد. در نگاه سلفی فقط باید به وحی و نقل اعم از کتاب و سنت و اجماع سلف مراجعه کرد و از عقل‌گرایی و شهودیان دوری گزید؛ زیرا آنان انسان را به باطل رهنمون می‌سازند. اگرچه آنان تجربه را به عنوان راه شناخت نمی‌پذیرند اما تجربه تا زمانی اعتبار دارد که با نقل در تعارض نباشد. بنابراین در صورتی که علم فرآورده‌هایی خلاف ظاهر قرآن و سنت داشته باشد، این علم نیست بلکه جهل است. لذا تک‌رلوژ، مورد استفاده آنان قرار می‌گیرد اما اگر نتیجه آن مخالفت با قرآن و سنت باشد مورد سلفیان نباشد.

سلفیان معتقدند که تعارضی میان عقل و نقل نیست و ابن‌تیمیه در این زمینه کتاب معروف درء تعارض العقل والنقل را نوشته که تمام محتوای آن این است که چون عقل راهی به سوی فهم عوالم بالا ندارد، لذا فهم آن هیچ‌گاه نمی‌تواند با نقل تعارض کند، بلکه عقلی مورد قبول است که همیشه در خدمت تفسیر وحی باشد و الا آن عقل، عقل یونانی است که جز بدعت‌گذاری کار دیگری انجام نمی‌دهد.

در معنی‌شناسی، سلفیان رویکرد ظاهرگرایی را پذیرفته و به انکار تأویل پرداخته و معتقدند اگر راه تأویل باز شود، دین از درب دیگر خارج می‌شود. آنان معتقدند تمام آنچه خداوند در

قرآن گفته باید به ظاهرش تمسک کرد و پذیرفت که آن حقیقتی در بالا دارد. یعنی اگر خداوند فرموده که خداوند دست دارد باید پذیرفت که ایشان حقیقتاً دست دارد و واقعیتی به نام دست وجود دارد و نباید آن را تأویل کرد و به معنای قدرت یا هر چیز دیگر تفسیر نمود. اما همین سلفیان در مواردی که با اعتقادات آنان در تضاد است، دست به تأویل زده و آن را به تأویل برده‌اند. سلفیان در تفسیر «أَيْنَمَا تُولُوا فَتَمَّ وَجْهُ اللَّهِ» آن را به علم خدا تأویل برده و گفته‌اند منظور این است که خداوند به آن علم دارد.

روشن‌سازی، با روش سلفیان تأکید به برتری فهم سلف است و معتقدند همه باید از فهم سلف تبعیت کنند؛ زیرا فقط فهم سلف از خلوص برخوردار است و دیگر فهم‌ها مثل فهم متکلمان، فیلسوفان و عرفا هیچ ارتباطی با اسلام ندارند و فقط گمراهی انسان را بیشتر می‌کنند. سلفیان منطق یونان و یهود عین را نمی‌پذیرند و آن را از بدعت‌های کافران دانسته که به اسلام وارد شده است، لذا باید از آن پرهیز کرد و از آن دوری جست. سلفیان معتقدند هر آنچه در قرآن آمده به نحو حقیقت آمده و باید در قرآن راه ندارد و باید تمام آیات قرآن را به معنای حقیقی آن بار نمود. اما خود سلفیان در تفسیر و گریزی ندارند مگر پذیرش مجاز. وقتی قرآن می‌فرماید از قریه سؤال کنید، خود سلفیان هم معتقدند که نمی‌توان از خود روستا سؤال کرد بلکه مقصود مردم آن روستا هستند که این عدو را از حقیقت و پذیرش مجاز در قرآن است.

ضرورت تحقیق

پذیرش این مبانی، خدای سلفیان را خدایی انسان‌وار کرده و فهم آنان را جرم‌گرا کرده است که باعث طرد و نفی دیگران و انکار تمدن اسلامی است. اگر این مبانی را بپذیریم، باطل و خلوص فهم خویش هم تردید کنیم؛ زیرا از کجا و به کدامین دلیل و برهان می‌توان ثابت کرد که فهم ما همان فهمی است که خدا و رسول می‌پسندد و از آن راضی است. هیچ نشانه‌ای نیست مگر برخی آثار رسیده از صحابه که آثار فراوان دیگری نقیض آن وجود دارد و اختلافات صحابه در فهم قرآن و سنت، خود بهترین دلیل است که نمی‌توان به فهم رسیده از سلف اعتماد کرد؛ زیرا نقل شفاهی در موارد متعدد تحت تأثیر محیط و فهم ناقل قرار گرفته و حتی در خیلی از موارد معنای اصلی آن فراموش می‌شود.

بنابراین بهترین راه همان راه متکلمان است که عقل قطعی و نقل قطعی را معیار قرار داده و در صورت تعارض میان این دو، عقل قطعی را مقدم داشته و به تأویل نقل پرداخته و یا آن را از مصادیق مجاز، استعاره و امثال آن می‌دانند؛ زیرا اکنون رسول خدا ﷺ یا جانشینان بر حق ایشان وجود ندارند تا بتوان به نقل قطعی رسید، لذا عقل قطعی که حضورش در خود انسان است، تقام دارد.

پیشینه تفسیر

درباره مبانی فکری سلفیان، در آثار فارسی، اثر معتنابهی یافت نشد و در تمام آثاری که تاکنون بررسی کرده‌ایم، استاد عزیز جناب آقای دکتر الله بداشتی در پایان‌نامه دکتری خویش به صورت مختصر به این مبانی پرداخته. این جانب نیز در مشورت با ایشان پایان‌نامه خود را به چهار بخش معرفت‌شناسی، هستی‌شناسی، مناسباتی و روش‌شناسی تقسیم کردم، اگرچه معتقدم در بسیاری از این مباحث، سلفیان مطلب خاصی ندارند و مهم‌ترین مبنا در میان سلفیان همان برتری فهم سلف و تأکید بر ظاهرگرایی است که باعث طرد و نفی آرا و افکار و مبانی و روش عرفا، متکلمان و فیلسوفان گردیده است.

در میان اندیشمندان عرب به برخی آثار برخی دکرده که در این زمینه مطالبی را بیان کرده‌اند. مصطفی حلمی اگرچه نام کتاب خود را قواعد السلف فی الفکر الاسلامی نام نهاده است اما فقط بخش کوچکی از کتاب خویش را به مبانی مکرری سلفیه پرداخته و فقط درباره دو موضوع تقدیم شرع بر عقل (ص ۱۸۷-۱۹۲) و نفی تأویل (ص ۱۹۲-۱۹۳) آن هم به صورت بسیار مختصر بحث کرده است و بیشتر این کتاب درباره معرفی فقهی مثل شیعه، معتزله، اشاعره و خوارج است و بهتر است کتاب ایشان را مذاهب اسلامی بنامیم تا قواعد روش سلفیان در فکر اسلامی. در آثاری همچون منهج الامام الشوکانی فی العقیده، تالیف عبداللہ نومسوک؛ مفاهیم یجب أن تصحح، اثر سید محمد بن علوی مالکی، دفاعاً عن السلفیه از عمرو عبدالمنعم سلیم؛ مناقشة منهج الوهابية والسلفية فی العقيدة والتکفير، حسن بن علی سقاف؛ و منهج علماء الحديث والسنة فی اصول الدین نگارش مصطفی حلمی به صورت پراکنده به برخی از مبانی نیم‌نگاهی شده است و حتی در همین موارد بحث به صورت تبیین

دقیق آن مبنا پیش نرفته است. سقاف و بن علوی در کتاب خود بیشتر به نقد عقاید وهابیت پرداخته و هیچ‌یک از این دو، مبانی سلفیه و وهابیت را به نقد نکشیده‌اند. مصطفی حلمی در کتاب دوم خود همان روش کتاب قواعد منهج السلفی را در پیش گرفته و بیشتر به اختلافات مذاهب توجه نموده و به صورت پراکنده به برخی مبانی اشاراتی دارد.

سؤال‌های تحقیق

سؤال اصلی

۱. اصلی‌ترین سؤال این پژوهش این است که سلفیان چه مبانی‌ای در معرفت‌شناسی و هستی‌شناسی پذیرفته‌اند؟ به باعث پذیرش اعتقادات خاص آنها در باب توحید و شرک شده است؟!

سؤال‌های فرعی

۱. دیدگاه سلفیان در باب معرفت‌شناسی دین چیست؟
۲. آیا از دیدگاه سلفیان عقل در فهم دین، آسان دارد یا حیر؟
۳. دیدگاه سلفیان در باب امور عامه وجود چیست؟
۴. آیا سلفیان مجردات را می‌پذیرند؟
۵. دیدگاه آنان در باب تأویل و حقیقت و مجاز چیست؟
۶. روش آنان در فهم مسائل دینی چیست؟

فرضیه تحقیق

فرضیه این تحقیق این است که سلفیان با انکار مجردات و ردّ تأویل، ارتباط حیات برزخانی با دنیا را منکرند و از این جهت دیگران را به کفر و شرک متهم می‌کنند.

این پایان‌نامه می‌تواند فتح بابی باشد برای نقد و بررسی هرچه بیشتر و بهتر مبانی فقهی سلفیه و هر یک از فصول آن گنجایش بررسی بیشتر در حدّ یک پایان‌نامه دکتری را داراست. آنچه ما بررسی کردیم به صورت استقراء ناقص نگارنده این سطور بوده است و شاید با استقراء بیشتر و تعمیق فراوان‌تر بتوان به مبانی بیشتری دست یافت. روش ما در این رساله بیشتر فهم

موضوع و شناخت آن است و کمی هم به نقد و تحلیل پرداخته‌ایم و تحلیل بیشتر را به تحقیقات دیگر واگذار می‌کنیم تا براساس «ربّ حامل فقه بل هو افقه منه»، پژوهشگران مستعد و علاقه‌مند به این موضوعات به این مباحث وارد شده و آثاری به مراتب بهتر از این رساله به جامعه علمی عرضه نمایند.

و آخر دعوانا أن الحمد لله رب العالمین